


مردمان خوب این دیار ۲۱

خانم شاهده این تجربه را برای سایت فرستاده است :

مردمان خوب این دیار...

وقتی داشتیم برای اینکه از تجربه های جدیدمان بگوئیم و دردهایی که بزرگمان کردند توی این یکسال و نیمی که همدیگر را ندیدیم... از مهاجرت، تنهایی، امنیت، یافتن و نیافتن... با یک چمدان بزرگ که بارش بود برای یکی دو روز آینده که باید می رفت.. توی میلاد نور که احساس تجانسی باهاش نداشتیم چرخیدیم... سرور گفت یک جایی بنشینیم تا ببینیم هم را .. الان فقط مغازه ها را میبینیم... رفتیم که چای بخوریم .. توی آن ردیفی

که رستورانهای زنجیره ای که کنار میلاد نور هست... فقط غذا بود... و سردمان بود... سردمان بود و چای میخواستیم... به اصرار من رفتیم توی رستوران پدر خوب... که سوپ بخوریم به جای چای...! داشتند برای خودشان چای میریختند... سرور ذوق کرد... گفتم آقا به ما دوتا چای بفروشید! صاحب مهربان رستوران به سادگی گفت "چای که فروشی نیست برایتان میریزیم". گفتم "ما میخواستیم بشینیم" ... گفت: "خب بفرمایید بنشینید...". تا من کیک بخرم قند هم برایمان آورده بودند... نام به این نشان که سه ساعت نشستیم... گفتیم... توی شادبها و غصه ها و دردهایمان و امیدها و شکستنها و دوباره راست شدنهایمان غوطه ور شدیم... تنها چیزی که به محیط وصلمان می کرد صدای اعلام فیش دریافت غذای مشتریها بود... حرفهایمان که به آخر نرسید... اما وقتی از صاحب رستوران به اصرار خواستم حداقل هزینه میزی را که ما اشغال کردیم بپردازم فقط حاضر شد یک کلوچه ی کوچک که سوغاتی خوزستان بود بردارد در ازای جای گرم و امنی  که به ما داد تا خلوت دوستانه مان را تجربه کنیم... فقط گفت ممنون!

=====

در روزگاری که فشار زندگی مانع میشود بسیاری از امیدهای مردمان ، محقق گردد ، هستند مردان و زنانی که با خوب زیستن ، به موقع خندیدن ، تحویل گرفتن گرم بقیه و نیک زیستن خویش ، نور امید و عشق را بی دریغ میگسترانند. من سالهاست شنونده خاطرات خوب خوانندگانم از این دست تجربیات هستم. قویا معتقدم با معرفی این افراد میتوان نیکی را توسعه داد . شما نیز زحمت بکشید و در این طرح " مردمان خوب این دیار" گلی بکارید و خاطرات خود را برایم بفرستید تا به نام خودتان در سایت پر بیننده ما درج گردد

مردمان خوب این دیار ۲۰

غروب یه روز تعطیل پاییزی که وقتی تو خوابگاهی باید به این درو اون در بزنی تا دلت نگیره!!! با دوستم تصمیم گرفتیم بریم اسکله....

مردمان خوب این دیار ۱۹

مردمان خوب این دیار ۱۸

مردمان خوب این دیار ۱۶

بخشی از مصاحبه حبیب لاجوردی با دکتر مجتهدی (ریاست وقت دانشگاه پلی تکنیک / مدرسه البرز) ح ل- علت این که این سوال را من کردم این بود که شما فرمودید: آن دکتر انگلیسی در دانشگاه شیراز وقتی که زنهای چادری می رفتند پهلوش می گفت چادرتان را بردارید. ممکن است بعضی از ایرانیان - به اصطلاح متجدد- بگویند که دکتر انگلیسی حرف خوبی زده، در صورتی که این رفتار دکتر انگلیسی به شما برخورد. چرا؟ م م- چرا به من برخورد؟... به من این برخورد که یک نفر انگلیسی به یک زن ایرانی توهین کند. یک نفر انگلیسی می رود تو عشایر دوازده استان سعیدی شیراز را - که مال دانشگاه است - می دهد قالی می خرد و اسمش را استاد می گذارد... یک انگلیسی چادر یک زن ایرانی را بکشد پایین یا ببرد بگذارد بالا، به من برمی خورد. از لحاظ سیاسی به من برخورد. خارجی نباید فضولی کند.

کل پستهای ” مردمان خوب این دیار “

دم نوش روح

دلتنگم،

مثل مادر بی سواد

که دلش هوای بچه اش را کرده

ولی بلد نیست شماره اش را بگیره



همسایه ام از گرسنگی مرد، بستگانش در عزایش گوسفند ها سر بریدند



کلی نوشته خوب [اینجاست](#) درباره امید به زندگی و حرفهایی که وقتی با دوستانتان بزنید، آنها شما را بیشتر دوست خواهند داشت